

شنوای حق کر گردد. تعصب لجاجت به بار می آورد و در چنین حالتی، فرد انگیزه برای پذیرش حق را از دست می دهد، چون گروه، حزب یا قوم و قبیله یا فرقه خود را مساوی حق می شمارد. خطر این حالت آن قدر جدی و بزرگ است که ممکن است باعث گمراهی و شقاوت ابدی گردد.<sup>۱</sup> تعصب که با خود لجاجت در برابر حق شنوی و حق پذیری را به دنبال می آورد، ویژگی مهمی را بروز می دهد و آن گردن کشی در برابر همه منابع و مراجع حق است. گروه یا قوم یا ملت یا حکومت مستکبر در برابر حق خضوع نمی کند و در برابر منبع و معیار حق گردن کشی و نافرمانی می کند. قرآن کریم این ویژگی را «استکبار» نامیده است. قرآن به روشنی می گوید متعصبان و مستکبران، باوجود شناخت از حق، از پذیرش آن سر باز می زنند: «وَجَعَلُوا بَيْنَهُمَا وَاسْطِقَيْنَتْهَا أَنْفُسُهُمْ ظُلُمًا وَعُلُوًّا فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ»<sup>۲</sup> آیات الهی را از روی ستمگری و کبر و سرکشی انکار کردند، درحالی که در دل به آن یقین داشتند. ریشه آشوب ها و تفرقه ها، دسیسه ها و سرکوب ها، جنایت ها و خون ریزی ها، محرومیت ها و ستمگری ها و در یک کلمه، بحران ها و تراژدی های اجتماعی - سیاسی، عصبیت، جاهلیت و تکبر است. امام علی (علیه السلام) خطرهای ویرانگر تعصب، نخوت و استکبار را برای شکوفایی و سلامت جامعه و خوشبختی و رستگاری اعضای جامعه، با تحلیلی عمیق و سخت تأمل برانگیز، تبیین می فرماید. امام (علیه السلام) خصوصیات این افراد اهریمنی را با سه عنصر بیان می فرماید: «فَقَالَ رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَلَا أُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ قَدْ فَا بَغِيْبٍ بَعِيدٍ وَ رَجْمًا بَظَنِّ ۱۳۷ غَيْرِ مُصِيبٍ صَدَقَهُ بِهِ أَبناءُ الْحَمِيَّةِ وَ إِخوانُ الْعَصِيَّةِ وَ فُرْسانُ الْكِبْرِ وَ الْجَاهِلِيَّةِ»<sup>۳</sup> به جانم سوگند شیطان تیر خطرناکی برای شکار شما بر چله کمان گذاشته و تا حد توان کشیده و از نزدیک ترین مکان، شما را هدف قرار داده، و خطاب به خدا گفته است: پروردگارا، به سبب آن که مرا دور کردی، دنیا را در چشم هایشان جلوه می دهی و همه را

۱. ملی گرایی / ناسیونالیسم افراطی و باندبازی / تعصب حزبی دو جلوه مهم از تعصبات جمعی مدرن اند. نیبور درباره ملی گرایی افراطی مدرن می نویسد: «این گفته جرج واشنگتن که ملت ها افزون تر از منافعشان مورد اعتماد نیستند یا گفته نویسنده آلمانی، یوهانس هالر، که هیچ ملتی، جز به خاطر منافع خودش، وارد هیچ مذاکره ای نشده، بیانگر همین خودخواهی است. وطن پرستی خودگذشتگی فردی را به خودپرستی ملی تبدیل می کند. این نوع طرفداری ناشایست، اساس قدرت ملی و جواز آزادی استفاده از قدرت بدون ملاحظات اخلاقی می شود، به این صورت که ناخودخواهی فردی در خدمت خودخواهی ملت ها قرار می گیرد. در نتیجه، بیشتر افراد جامعه، به ویژه در مواقع بحرانی، دچار حس وطن پرستی افراطی می شوند و به نفع خودشان حکم می کنند (ر.ک: رینهولد نیبور، انسان اخلاقی و جامعه غیر اخلاقی).

۲. سوره نمل، آیه ۱۴.

۳. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲ (معروف به «خطبه قاصعه».



گمراه خواهیم کرد. اما تیری در تاریکی‌ها، و سنگی بدون نشانه‌روی، رها ساخت، گرچه فرزندان خودپسندی و برادران تعصب و خودخواهی و سواران مرکب جهالت و خودپرستی او را تصدیق کردند.»

- تعبیر به «أَبْنَاءُ الْحَمِيَّة» کنایه از این است که آن‌ها به قدری آلوده به تکبر هستند که گویی فرزندان تکبرند.

- تعبیر «برادران عصبیت» کنایه از ارتباط تنگاتنگ آن‌ها با تعصبات قومی و قبیله‌ای و مانند آن است.

- «وَفُزَّانُ الْكِبَرِ وَالْجَاهِلِيَّة» کنایه از آن است که آن‌ها آن قدر گرفتار کبر و جهل و غرورند که گویی بر مرکبی از جهل و کبر سوار شده‌اند و به پیش می‌تازند.

شخصیت مقابل انسان متعصب در قرآن کریم انسان حنیف است، فردی که دلی نرم و فکری آماده برای پذیرش حق دارد، فردی حق طلب و حقیقت جو<sup>۱</sup>. از منظر قرآن کریم، چنین فردی به نجات و رستگاری دست می‌یابد و به بالاترین مراتب توحید صعود می‌کند و به اوج سعادت ابدی می‌رسد. جالب است که خداوند سبحان همین حق خواهی و حق پذیری را در آیه سی‌ام از سوره سی‌ام، اصل فطرت و سرشت کمال طلب انسان معرفی می‌فرماید: «فَأَقْمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا»<sup>۲</sup> پس روی خود را با حق‌گروی تمام، به سوی این دین کن، با همان سرشتی که خدا مردم را بر آن سرشته است.» اخلاق و معنویت دینی با معرفی تقوا به عنوان تنها ملاک برتری و شرافت و نیز یادآوری این‌که اصل همه انسان‌ها از یک گوهر است و ترسیم کوچکی و فانی بودن انسان در برابر عظمت و جاودانگی حق تعالی، خودخواهی‌های فردی و تعصبات گروهی (نژادی، منطقه‌ای، جنسیتی، موقعیتی و تباری) را تعدیل می‌کند. ارزشی متعالی که اسلام برای انسان‌ها قائل است موجب می‌گردد رفتارهای درستی در جامعه شکل بگیرد و به مرور زمان اخلاقیات متعصبانه و قبیله‌محور، جای خود را به اخلاقیات مبتنی بر مساوات، برادری و هم‌گرایی بدهد.

فلسفه نماز و رکوع و سجود در شریعت اسلامی تمرین همین خاکساری و فروتنی است.

۱. قرآن پژوه پراوازه، راغب اصفهانی، می‌نویسد: «حنیف از ماده حنف و به معنای تمایل و گرایش از گمراهی به راه راست است، در مقابل جنف که به معنای تمایل و گرایش از راه راست به گمراهی است» (ر.ک: راغب اصفهانی، المفردات، ماده «حنف»).

۲. سوره روم، آیه ۳۰.

فلسفه انفاق‌ها و صدقه‌های واجب و مستحب در شریعت اسلامی، کنترل آزمندی، حرص و مال‌پرستی است و نیز فلسفه روزه توجه به نیازمندان و ایجاد روح برادری و همدلی با آنان است. توجه مکرر به نفس اماره و مکائد آن و لزوم کنترل هوای نفس و اصرار بر توبه و تطهیر در اخلاق اسلامی، انسان‌ها را متوجه شر و بدی‌هایی در درون خود می‌کند که در دشمنش می‌بیند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «أَعْدَى عَدُوِّكَ نَفْسُكَ الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيْكَ»<sup>۱</sup> دشمن‌تر از همه دشمنان، نفس اماره توست که در کالبد خودت قرار دارد. از این رو، جامی نیز در هفت اورنگ سروده:

نفس تو دشمن درونی تو	مابقی دشمن برونی تو
گر شود دشمن درونی نیست	باکی از دشمن برونی نیست
نفس اگر نیست در درون باقی	چه غم از دشمنان آفاقی

از امام رضا علیه السلام نقل شده است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله یکی از اصحاب خود را دید که از مأموریتی جنگی که او را فرستاده بود برگشته است و با موهای ژولیده و غبار سفر بر سروصورت و جنگ‌افزار در میان، به سوی منزل خود می‌رود. حضرت صلی الله علیه و آله فرمود: «از جهاد اصغر برای جهاد اکبر برگشتی.» عرض کرد: «آیا جهادی بالاتر از جهاد با شمشیر هم هست؟» فرمود: «آری، جهاد انسان با نفس خود.»<sup>۲</sup>

دشمن و رقیب و حریف بیرونی را می‌توان با اخلاق ملکوتی و برخورد عالی انسانی، از دشمنی منصرف کرد؛ نه تنها این کار ممکن است، بلکه حتی می‌توان او را به دوستی یکدل و صمیمی مبدل کرد. قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَا تَسْرِوِي الْحَسَنَةَ وَلَا السَّيِّئَةَ قَالَ الْحَسَنَةُ التَّقِيَّةُ وَالسَّيِّئَةُ الْإِذَاعَةُ أَدْفَعُ بِالنَّيِّ هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ»<sup>۳</sup> هرگز نیکی و بدی یکسان نیست. بدی را با نیکی دفع کن. ناگاه خواهی دید همان کس که میان تو و او دشمنی است گویی دوستی گرم و صمیمی است. «نمونه بسیار زیبایی این اخلاق را می‌توان در سیره پیشوایان معصوم جست‌وجو کرد. در این زمینه، قصه مرد شامی و برخورد دگرگون‌کننده امام حسن مجتبی علیه السلام معروف و بسیار درس‌آموز است.

۱. وزام بن ابی فراس، *مجموعه وزام*، ج ۱، ص ۵۹.

۲. *الفقه المنسوب للإمام الرضا علیه السلام*، ص ۳۸۰.

۳. سوره فصلت، آیه ۳۴.